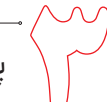




پزشکیان بر خلاف اغلب رؤسای جمهور که در گفت وگوی تلویزیونی (برای اولین بار در دوره مسئولیت) حضور پیدا می کنند، وعده مشخص و خاصی نداد؛ نه در حوزه اقتصاد و نه حتی در مسائلی مانند سفرهای استانی و... در واکنش اش به مثلاً رشد ۸ درصدی «به شرطها و شروطها» بود. به نظر شما چنین سخنانی چقدر قابل پذیرش از سمت مردم و چقدر درست است؟



امیر محمود حریرچی: نکته مهم این است که رئیس جمهورهای قبلی در ابتدای کارشان مسائلی را مطرح می کردند که پیرامون دولت قبل از خودشان بوده و می گفتند قبلی ها نتوانستند کار کنند که این مشکلات در کشور ایجاد شده است. به عبارتی آنها می آمدند و مسئله و مشکل دولت قبل را بیان می کردند و می گفتند ما قصد داریم در دوره خودمان آن را درست کنیم و کاری که قبلی انجام نداده را ما انجام دهیم. اما این بار با توجه به وضعیتی که درباره شهید رئیسی پیش آمد، نمی تواند به قبلی برگردد و به همین علت خواه ناخواه آن حرف هایی که قبلی ها زدند را تکرار نمی کند. باید مسائل برای مردم باز شود؛ برای مثال وقتی می گویم رشد هشت درصدی، باید برای مردم روشن شود که منظور از این رشد چیست و



انتخابات ریاست جمهوری و رقابت های آن است. در این گفت وگو گفتند که ما از کارشناسان استفاده می کنیم. این کلی گویی است. در تمام دوره ها که بشر دست به برنامه ریزی زده، از کارشناسان آن حوزه استفاده شده است. در حوزه هایی مانند ارز، بنگاه داری بانک ها، اقتصاد، بخش خصوصی، عملکرد بانک مرکزی و... اختلافات کارشناسی وجود دارد. به عنوان مثال اختلاف نظر بین آقای صمصامی در مجلس و آقای همتی در دولت وجود دارد و این اختلاف بین کارشناسان است. باید مشاوران پزشکیان متوجه باشند که زمان در گذر است و مطالبات مردم به شدت خود را نشان می دهد و به ویژه در سفرهای استانی به شکل نامه، شفاهی و... ظهور و بروز پیدا می کند. بنابراین ایشان -پزشکیان- باید برنامه خود را برای این موضوعات بیان کنند.

پزشکیان از جذب سرمایه مالی و ایرانیان متخصص در خارج در برنامه دیدار با رهبری پیش از سفر به آمریکا گفت. تحلیل تان از این هدفگذاری چیست؟

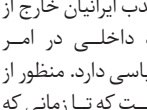
مجتبی شاکری: پزشکیان را سرشار از امید می بینم و نوع رفتار و گفتارشان این امید را نشان می دهد. حتی ۱۳ موردی که مقام معظم رهبری در اولین جلسه هیئت دولت اعلام کردند، بسیار کاربردی است. این نکات براساس تجربه مقام معظم رهبری در دوره ریاست جمهوری و پس از آن در جایگاه رهبری با رئیس جمهورهای مختلف اعلام شده است. فکر می کنم بخش عمده تلاش مشاوران پزشکیان و وزرا باید این باشد که مشت رئیس جمهور را از برنامه های تحولی و امیدوارکننده پر کنند. اگر مطالبات به همان ترتیب قبلی باقی بماند و اگر دولت نتواند شگفتی ایجاد کند، امید مردم به دل نگرانی و ممکن است به یک اعتراض تبدیل شود. یکی از مهم ترین نگاه ها این است که منابع سرمایه گذاران خارجی یک فرصت است. در داخل باید بخش خصوصی فعال شود و از تجمع سرمایه مردم به رشد اقتصادی برسیم. از سوی دیگر باید از سرمایه گذاران خارجی نیز استقبال و استفاده شود. مقام معظم رهبری اعلام کردند: «ما نمی خواهیم با یک کشور مذاکره و مراوده داشته باشیم، اما می توان با آن کشورها در برخی از حوزه ها تعامل داشت.» در حقیقت استفاده از امکانات فناوری، صنعتی و تکنولوژی، ربطی به موضع سیاسی بسیاری از کشورها ندارد. مثلاً برخی از کشورهای منطقه ممکن است موضع سیاسی دیگری داشته باشند اما حاضر هستند در تعامل بازرگانی و... با ما وارد گفت وگو شوند و ما باید از این فرصت ها استفاده کنیم.



حسین نقاشی:
یکی از مهمترین ویژگی هایی که آقای پزشکیان لااقل در ادبیات و گفتار سیاسی خود دارد، بحث عدالت و رفع تبعیض است. هرچند برای این ادبیات و کلیدواژه ها باید برنامه های در جهت تولید محتوا صورت گیرد تا دولت آقای پزشکیان به دولت عدالت که شعار آن را می دهند، تبدیل شود

و در نهایت جمله «ما با شما ایم» که رئیس جمهور پزشکیان رو به دوربین و خطاب به مردم آن را مطرح کرد و تاکید بسیار بر شنیدن صدای همه، ایجاد عدالت به ویژه آموزشی و تلاش دولت برای وفاق ملی و مسئله فضای مجازی و رفع فیلترینگ، بخش های قابل توجه این گفت وگو بود. نظرتان درباره این موارد و نوع نگاهی که پزشکیان نسبت به اینها داشت، چیست؟

برآمدها یا قیمت ها اعلام می شود، باید مورد توجه و پیگیری وزرا و رئیس جمهور قرار گیرد. در حال حاضر بیش از ۱۱ میلیون کارگر در ایران وجود دارد. هنوز توافق واقعی بین کارگر، کارفرما و دولت برای ضریب افزایش حقوق و دستمزد کارگران انجام نشده و در جلسه پایان سال نماینده کارگران خارج شدند و شرایط کارگران و دستمزد آنها از چالش های بزرگ کشور است. من می دانم که برای دولت با وجود کمبود مالی جلب رضایت کارگران کار آسانی نیست همانطور که جلب رضایت معلمان، پرستاران و کادر درمان و... نیز آسان نیست. اما اینکه فقط بگوییم ما به فکر شما هستیم و صدای شما را شنیدیم، کافی نیست. بعد از شنیدن صدا پاسخ مهم است. وقتی می گویم صدای شما را شنیدیم، اطمینان حاصل می شود که شنونده باید پاسخ مناسب دهد. دعا می کنم پزشکیان در این صداهایی که شنیده و می شوند، با وجود محدودیت منابع موفق شود. از سوی دیگر فکر می کنم که باید توجه ویژه ای به قراردادهای شانه گاهی، بریکس و... شود تا وعده های آن زودتر محقق شود و بتواند دست دولت را بگیرد. در قسمت دوم سال بسیاری از پروژه ها باید راه بیفتد در غیراین صورت دولت نمی تواند به درستی خدمات رسانی کند. ضمن آنکه دولت اگر بخواهد جلوتر از مجلس به صداهایی که شنیده، پاسخ دهد باید جلسات ویژه کاری بگذارد تا از روزمرگی خلاص شود و لایحه بودجه جدید و کارآمدی را با دیدگاه رئیس جمهور تهیه و تدوین و به مجلس ارائه کنند. در حال حاضر آموزش و پرورش و هزینه های سنگین آموزشی در کنار مشکلات و مسائل کارگری و... مهم است و باید به آن توجه ویژه شود.



حسین نقاشی: جذب ایرانیان خارج از کشور یک بُعد داخلی در امر سیاست گذاری و سیاسی دارد. منظور از امر سیاسی این است که تا زمانی که ایران را برای همه ایرانیان نخواهید و سیاست ها را بر مبنای این ایده قرار ندهید، بسیاری از ایرانیانی که از کشور رفته اند، امکان همراهی با ایران را ندارند؛ مشکل آنها نوع سیاست گذاری در حوزه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی و سیاسی است و تا زمانی که سبک های زندگی متفاوت و نظرات و آراء سیاسی مختلف در قالب یک نظام سیاسی دموکراتیک پذیرفته نشود و در داخل کشور این تکرر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی مورد پذیرش قرار نگیرد، واقعیت این است که بخش زیادی از ایرانیان خارج از کشور را نمی شود جذب کرد و نمی توان پول و سرمایه آنها را به داخل ایران آورد اما خود آنها را نخواست. بنابراین موضوع جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور اگر بخواهد به یک کلان پروژه تبدیل شود، نیازمند زمینه ها و زیرساخت هایی است که بعید می دانم نظام سیاسی در کشور آمادگی چنین تغییر و تحولاتی را داشته باشد. البته اگر این امر به عنوان یک شعار یا وعده برای اینکه حداقل در کوتاه مدت تنش زدایی و همراه کردن ایرانیان خارج از کشور را بخواهیم داشته باشیم، با توجه به اینکه رؤسای جمهور در دوران های مختلف این بحث ها را مطرح کردند، نیاز است لااقل بخشی از زیرساخت ها در کشور به وجود آید. اگر چنین نشود، بحث های مربوط به جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور در حد شعار و حتی فانتزی باقی می ماند.



امیر محمود حریرچی: این شعار را پیش از این همه داده اند و این هم تکرار یکی از شعارهایی است که قبلاً داده شده است اما عملاً حرکتی در این راستا تا به امروز ندیده ایم. ابتدا باید بررسی کرد یک فرد ایرانی که سرمایه و تخصص اش را از کشور خودش خارج کرده به چه علت از ایران رفته و چه دلایلی داشته که او کشور خودش را رها کرده و به یک کشور دیگر مهاجرت کرده است. نکته بعدی این است که آن فردی که به هر علتی مهاجرت کرده، الان چرا باید برگردد و در واقع چه امیدی برای بازگشت به ایران باید داشته باشد؟ فردی که در ایران قدر آن را ندانسته اند و رفته است به راحتی بر نمی گردد. باید شرایط بازگشت برای او مهیا باشد و امیدوار باشد که به برگشتن فکر کند. برای مثال همین جنوب ایران کشور عمان قرار دارد و مدتی است در حال جذب پرستارها و پزشکان ایرانی است. وقتی فرد می بیند حقوق یک روز در آن کشور اندازه حقوق دو سه ماه در ایران می شود، چگونه می تواند قانع به بازگشت شود؟ بعضی امارهایی که درباره مهاجرت نیروهای متخصص عنوان می شود فاجعه است. تاکید می کنم ابتدا باید دلایل را بررسی و بیان کرد و پس از آن باید سراغ فراهم کردن زمینه رفت و پس از آن به آن ایرانی ای که مهاجرت کرده، گفت این حق و حقوق برای شما به رسمیت شناخته شده و بعد از آن به استقبال آن دسته از ایرانی ها رفت که سرمایه و تخصص خود را از کشور خارج کرده اند. البته نکته مهم دیگر این است که باید شرایطی ایجاد شود و این اطمینان به وجود بیاید که علاوه بر ایرانی هایی که به خارج رفته اند، ما شاهد جذب سرمایه گذار جی هم باشیم.



برنامه هایی است که حداقل یک تا دو سال قبل تر در حزب و با ائتلاف سیاسی برنامه ریزی شده است و رئیس جمهور با وعده ها و گفتمانی که احزاب ساختند و تولید کردند، برنده می شود. بحث های عدالت آموزشی و بهداشت و درمان و از این قبیل، مطالبات زیبا و درستی هستند اما باید برای آنها تولید گفتمان کرد تا از دل آنها برنامه بیرون بیاید. در واقع تولید گفتمان برنامه باید برای مباحث حوزه عدالت و رفع تبعیض انجام شود.

مجتبی شاکری: تمام این صحبت ها همان سرفصل های دوره مناظرات انتخابات ریاست جمهوری است که بسیار هم دلنشین است. اما وقتی بایی باز می شود و می گویند ما با شما هستیم باید سازوکار آن نیز مشخص و مهیا شود. مثلاً مردم مطالبات خود را در سامانه ای بیان کنند و پس از دسته بندی شدن این مطالبات به وزرا ارجاع شود تا نسبت به آن اقدام شود. اگر این مطالبات نیاز به قانونگذاری دارد، دولت لایحه آن را تهیه و به مجلس ارائه کند و اگر مطالبات با آیین نامه های اجرایی حل می شود، این آیین نامه ها ابلاغ شود. اما نکته مهم این است که تغییر برخی از رویه ها و دستورالعمل ها اهمیت دارد. اینکه مردم را به سفره خانه خود تعارف کنیم بسیار پسندیده است. اما اگر در باز شد و مردم وارد خانه شدند باید مقداری که مردم را تحریک کردیم باید سر سفره غذا فراهم شده باشد. من فکر می کنم تمام وزرا باید با انرژی ای که پزشکیان با مردم سخن می گویند، وارد صحنه عملیاتی و مدیریت شرایط شوند. به عنوان مثال اگر در یک سفر استانی آمار تغییر نکردن قیمت ها یا متعادل نبودن



امیر محمود حریرچی:
اگر بخواهیم مباحث قدیمی را مرتب تکرار کنیم که چیزی درست نخواهد شد بلکه باید به مسائل پرداخته شود که جامعه با آن درگیر است و برای مردم دردرس ایجاد کرده و مردم با آنها دست به گریبان هستند

امیر محمود حریرچی: اولاً وقتی از تلاش برای رفع یک مشکلی مانند فیلترینگ حرفی زده می شود، باید بازه زمانی حل آن مشکل را بیان کنند و بگویند تا چه زمانی مشکل مطرح شده حل می شود. ثانیاً باید این توانایی را داشته باشند که دلایل وضعیت موجود را بیان کنند و به مردم بگویند که چرا وضعیت اینگونه شده و در آن زمینه مشکل ایجاد شده است. برای مثال بگویند چرا عدالت آموزشی وجود ندارد و این وجود نداشتن عدالت چه صدماتی به جامعه وارد کرده است. اگر این مسائل برای مردم شکافته نشود حکم همان شعارهایی را دارد که قبلی ها هم دادند و به صورت کلی مسائلی را بیان کردند. برای اینکه از حالت شعار خارج شود و جنبه تکرار همان مسائل گذشته را نداشته باشد، باید آقای پزشکیان توضیح دهند. نکته بعدی این است که خود ایشان، وزرا و معاونان باید بین مردم بروند و مشکلات را از نزدیک ببینند.



حسین نقاشی: یکی از مهمترین ویژگی هایی که آقای پزشکیان لااقل در ادبیات و گفتار سیاسی خود دارد، بحث عدالت و رفع تبعیض است. هرچند برای این ادبیات و کلیدواژه ها باید برنامه ای در جهت تولید محتوا صورت گیرد تا دولت آقای پزشکیان به دولت عدالت که شعار آن را می دهند، تبدیل شود. یعنی اول باید تولید گفتمان شود و از دل آن گفتمان برنامه ساخته شود. در یک نظام سیاسی دموکراتیک و حزبی این کارها سال ها پیش انجام می شود و رئیس جمهور مجری



محکومیت ها تمامی ندارد

گروه سیاست: سیدمصطفی تاجزاده بار دیگر به دادگاه فراخوانده شده؛ آن هم به جرم «اجتماع و تبانی به منظور ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران». تاجزاده، شامگاه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ بازداشت ۱۹ و مهر ۱۴۰۱ حکم او از سوی دادگاه انقلاب اعلام شد و با اتهام «تبانی علیه امنیت ملی» به ۵ سال حبس و «نشر اکاذیب» به ۲ سال و «تبلیغ علیه نظام» به یک سال در حقیقت به ۸ سال حبس محکوم شد که مطابق قانون ۵ سال آن قابل اجرا بود. اما خبر جدید این است که بار دیگر برای او دادگاه تشکیل شده است. تاجزاده در واکنش به این اتفاق نامه ای به رهبری نوشت و در بخشی از آن قید کرد: «... [هفتمین پرونده را علیه اینجانب به جریان انداخته است. برآن اساس آقای محمدجواد رستمی]...، بازپرس شعبه یک بازپرسی داسداری عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ تهران، با ارسال نامه شماره ۲۴/۰۲۸۶۸۰۲۴۰۳۶۸۹۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ اینجانب را به اتهام «اجتماع و تبانی به منظور ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» به دادگاه فراخوانده است. جناب عالی آگاهید که من به روال سابق و در اعتراض به بی عدالتی حاکم بر دستگاه قضا، در دادگاه حاضر نمی شوم و از خود دفاع نمی کنم. بنابراین یکی از دو سه قاضی مشهور [...] می تواند مرا به دو اتهام بالا به ۶ سال زندان جدید محکوم کند که ۵ سال آن قابلیت اجرایی شدن خواهد داشت. سال ۹۲ که آقای روحانی رای آورد، ۶ سال زندانم به ۷ سال افزایش یافت. این بار ظاهراً قرار است ۵ سال زندانم به ۱۰ سال برسد. مستحضرد تا همین لحظه و بدون احتساب حدود سه سال باقیمانده حبسم و بدون در نظر گرفتن محکومیت جدید احتمالی، من [...] ۹ سال و ۲ ماه حبس کشیده ام. تا آنجا که می دانم طول مدت زندان مؤسسان حزب جمهوری اسلامی یعنی آقایان بهشتی، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، باهنر و خامنه ای به ۹ سال نرسید. کسانی که نزدیکترین یاران و شاگردان آیت الله خمینی بودند و هدفشان براندازی رژیم شاه بود،»

با انتشار این نامه برخی چه در داخل و چه در خارج از کشور به فراخوان تاجزاده به دادگاه واکنش نشان دادند که به برخی از آنها در ادامه اشاره می شود. عباس عبدی، تحلیل گر سیاسی و روزنامه نگار نیز در این باره نوشت: «آخرین نامه آقا مصطفی درباره پرونده جدید نشانه وجود دوری باطل است. خیلی صریح باید گفت یک سویی ای ماجرا اتخاذ این رویکرد را حق خود می داند و سوی دیگر هم برای برخورد با این رویکرد به قانون استناد می کند، بی شک این راه بن بست و بی نتیجه است. تنها راه؛ شکستن این دور باطل است. هر که برای شکستن آن پیشگام شود برنده است. [...] از زندان بودن این افراد چه نتیجه ای حاصل خواهد شد که تازه برای زیدآبادی هم پرونده جدیدی باز شده است؟ [...] فرایند جدید را تکمیل کنید، دور مواجهه سنتی و امنیتی با منتقدان را خط بکشید. این نیز نیاز به یک تصمیم شجاعانه دارد. اگر جواب نداد می توانید دوباره مسیر خودتان را برگردید مشکل خاصی نیست.» محمدجواد روح، سردبیر روزنامه مهمهم نیز در این باره نوشت: «گفتش هم سخت است، چه رسد به کشیدنش. چند سال دیگر قرار است بمانند؟ و چند سال دیگر بر آن افزوده می شود؛ با پرونده های جدیدی که علیه او طرح کرده اند؟ واقعاً او چه کرده است؟ بالاتر از این است که گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی را اشتباه خوانده؟ خب، این چه ایرادی دارد؟... چنین است که مجاهد انقلابی جوانی چون سیدمصطفی تاجزاده با یکی دو دهه فاصله، عملاً هم پرونده ملی - مذهبی ها و مؤسسائی چون عزت الله سعائی شده است. جوان انقلابی پرشور و دیروز که با بزرگان حزب جمهوری اسلامی آمدوشد داشت، حالا به قول خودش در سال های پایانی عمر، روزهای سخت سعائی بودن در سال های پسین دهه ۱۳۷۰ را تجربه می کند.... فقط کافی است در خلوت به گفتارها و رفتارهای تاج زاده بیاندیشند و کاه خود را به عدالت در جایگاه قضاوت بنشانند. در روزگاری که براندازان به تاج زاده طمع کرده اند و رویای چسباندن او به شاهزاده در سر می پرورند، قدر و قیمت آقامصطفی را باید دانست.»

محمدجواد مظفر، نویسنده و روزنامه نگار نیز نوشت: «نامه دهم شهریور ۱۴۰۲ سیدمصطفی تاج زاده به رهبری قلمم را فشرّد و اشک به چشمانم آورد... واقعاً این پرسش سال هاست مرا می آزارد که اگر امثال سیدمصطفی تاج زاده و ده ها زن و مرّد آزاده که صرفاً به خاطر انتقاد و اعتراض حتی به رزم آقایان تند و گزنده، آزاد باشند چه خطری حاکمیت را تهدید می کنند؟... امید که با آمدن دکتر پزشکیان در عرصه حکمرانی، بخت «مسعود» ایران گشوده و بساط حصر و حبس سیاسی برچیده شود.»